جوان‌ترین استاندار کشور در گفت‌وگو با «شرق»:

برخی در ۲۵ سالگی استاندار بودند اما می‌گویند جوانان نمی‌توانند بخشدار شوند

عکس: عباس کوثری، شرق

نگرانی‌هایی درباره مباحث محیط‌زیستی مطرح می‌شود و این سؤال وجود دارد که چرا استانی که می‌تواند از صنعت گردشگری منبع درآمد خوبی داشته باشد باید روی صنعت پتروشیمی سرمایه‌گذاری کند؟

پتروشیمی مطالبه مردم منطقه بوده و بیکاری‌های کلان بر آن از مدت‌ها قبل انجام شده بود و مقدماتش هم در همان زمان فراهم شده است. یعنی بحثی که درحال‌حاضر درباره پتروشیمی گیلان مطرح است، این است که دو سه شهرستان بیگیر مسئله هستند و به نوعی رقابتی نیز بینشان در جریان است و ارتباطی با آمدن من به گیلان ندارد. از مدت‌ها قبل این مکاتبات، مذاکرات و مطالبات وجود داشته است.

کدام شهرها هستند؟

ملاّ رودسر و سایت سردار جنگل که برای استخراج نفت از دریای خزر بوده که البته در کوتاه‌مدت و میان‌مدت اتفاق نمی‌افتد چون مربوط به آب‌های جنوبی است و مسائل مربوط به خودش را دارد و شاید در مقایسه با میادین مشترک جنوب کشور که در آنها در حال رقابت با کشورهای دیگر هستیم، اولویت فعلی وزارت نفت هم نباشد. قبل از آنکه به گیلان برویم پیگیری‌هایی از طرف استان انجام گرفته بود و موافقت اولیه را هم از وزارت نفت برای احیاث یک واحد پتروشیمی گرفته بودند.

آیا در گیلان، دولت اول آقای روحانی است؟

حتی از دولت اول آقای روحانی هم مطرح بود و پیگیری‌هایی شده و در دولت اول آقای روحانی قوت گرفته. مکاتبات متعددی از طرف برخی شهرستان‌ها صورت گرفته است. نکته مهم درباره این مسئله این است که اگر از تکنولوژی روز صنعت پتروشیمی استفاده شود اصلاً تهدیدی برای محیط زیست نیست. امروز واحدهای پتروشیمی متفاوتی وجود دارند که در عسلویه و بندر عباس و مسکنی هم ایجاد نمی‌کنند. اما اگر قرار بر استفاده از تکنولوژی‌های دو، سه نسل قبل باشد حتماً مشکل‌ساز می‌شود و ما قطعاً با آن مخالفیم. باز هم بسته به اینکه شما گازها را بفروشید یا می‌خواهید به چه چیزی تبدیل کنید میزان و نوع آلایندگی خیلی متفاوت است. فرایند و نوع محصولی که می‌خواهید به دست بیاورید نیز از فکتورهای مهم است. پتروشیمی‌های که در گیلان مطرح است از نوع GTPP است، یعنی پتروشیمی‌های که می‌خواهید به دست بیاورید نیز از فکتورهای مهم است. پتروشیمی‌های که در گیلان مطرح است از نوع GTPP است، یعنی گاز را به یکی‌یکی‌یکی یا پوییلن تبدیل می‌کند. خوراک آن هم از دریای خزر نیست، بلکه از خلوط گازی که در امتداد ساحل خزر از چابکسر تا آستارا کشیده شده خوراک می‌گیرد و محصولش نیز در کارخانه‌های کوچک دیگری به مواد مبنایی تبدیل می‌شود. این مسئله هم تراحمی با کشاورزی و محیط زیست ندارد.

این کار در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

هنوز حتی سرمایه‌گذاری انتخاب نشده است. یعنی هنوز به مرحله‌ای نرسیده که بگوییم شرکت اف مبی خواهید بیایید اینجا و گاز را به فلان محصول تبدیل کند.

حتی شهرها هم انتخاب نشدند؟

سایت‌هایی که درحال‌حاضر در رودسر و رودبار مکان‌یابی شده‌اند اما هنوز سرمایه‌گذارشان مشخص نشده است. وزارت نفت هم اعلام کرده که خوراک گازشان را تأمین خواهد کرد.

قرار است که یک شرکت داخلی وارد شود یا خارجی خواهد بود؟

معمولاً این موارد به صورت شراکت و همکاری بین طرف‌های داخلی و خارجی انجام می‌شود. بستگی به ظرفیت وارد شدن پتروشیمی هم دارد. اگر ظرفیت و میزان سرمایه موردنیاز بالا باشد، معمولاً فاینانسر یا شریک خارجی استفاده می‌شود.

با توجه به تجربیات بدی که در زمینه سلب مسئولیت عسلویه وجود دارد، چه تضمینی برای جلوگیری از اتفاق مشابه وجود دارد؟ گیلان کرده‌اید؟

بینید این دو اصلاً با هم قابل مقایسه نیستند. نیاید پروژه‌های پتروشیمی که در گیلان می‌توانند تجربه و اجرا شود، یک دور صرف پروژه‌های عسلویه نیست. عسلویه دامنه‌اش کاملاً متفاوت است. بخش عمده آن پالایشگاه‌های گاز است. ما ۲۹ پالایشگاه در عسلویه داریم که هرکدامشان سه میلیارد دلار هزینه داشته و بخش کوچکی از کل کنار آن احداث شده. اگر اشتباه نکنم ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ واحد پتروشیمی متوسط و بزرگ را شامل می‌شود. البته هم پتروشیمی در عسلویه و ماهشهر خیلی متفاوت هستند. اگر شمال ۳۰ تا را حساب کنید هر پالایشگاه گاز حدوداً سه برابر یک پتروشیمی بزرگ است. یعنی

استاندار ۲۵ تا ۲۶ ساله داشتیم. وزیر ۳۰ ساله داشتیم. دور از ذهن است که همین‌جا آنها یکوبند یک آدمی که اول این نمی‌تواند بخشدار باشد یا عقل نمی‌تواند بودجه و حیلی ۳۵ سالگی بودجه و حیلی هم‌وقتی می‌بینید ما بعضی‌ها می‌گویند جوانانی که الان در همان سن در کار رانندگی هستند نمی‌توانند بخشدار شوند

چیزی به اندازه ۹ پتروشیمی بزرگ و نه ۱۰ پتروشیمی‌های عسلویه را هم اضافه کنید. خواهید دید که اصلاً قابل مقایسه نیستند و اصلاً تصور کاری با چنان ابعادی در گیلان ممکن نیست. ما باید درانتهای راه دیگر قرار گیریم. ایشاء بتقدیر، با کاری که در اصفهان یا کرمانشاه می‌شود، مقایسه کنید. دقت کنید که وقتی صحبت از ۳۰ تا، شرع می‌شود گیلانی ۳۰ تا، نرم نمی‌شود. یک نکته هم‌افزایی معنی اتفاق می‌افتد و تصاعدی افزایش پیدا می‌کند.

این تاکید شما یعنی شما با احداث پتروشیمی موافق نیستید؟

اگربخواهد مثل عسلویه و در حجم عسلویه اتفاق بیفتد قطعاً مخالفم. حتی نصف ویک چهارم عسلویه باعوفد اتفاق بیفتد هم مخالفم. ظرفیت پتانسیل گیلان متفاوت است. اصلاً صورت ندارد که این کار اینجا اتفاق بیفتد. اما فرامون شکایات و بحث‌های محیط‌زیستی، شهری و بیماری‌هایی که در شهرستان دو رودخانه وجود دارد که می‌توانستند سرمایه‌های عظیم گردشگری شهرت باشند اما امروز تبدیل به معضل تبدیل شده‌اند. در روستاها هم شاهد جمشیم که اطلاعات و بسماند مقصد جزی رودخانه‌ها ندارند. در این مدت کوتاهی که در گیلان رفته‌اند، از من مدت کوتاهی که در گیلان رفته‌اند، برای این موضوع قطری کرده‌اید؟

قطعاً اتمام دمی‌دهیم. جدا اعتقاد دارم که این کار را باید انجام بدهیم. فعلاً بین‌نسلی در مدیریت کشور اتفاق افتاده که هرچه دیرتر به سراغ حمل آن برویم اثرات زیان‌بارش بیشتر است. شما در مواضع مختلف رئیس‌جمهور هم این را می‌بینید. حتی دو هفته قبل که در سمینار استانداران دوباره بر جوان‌گرایی و استفاده از ظرفیت زنان در عرصه مدیریتی تأکید کردند. این دو حتماً باید اتفاق بیفتد. هرگسی دیرتر شروع کند آثارش بیشتر متوجهش می‌شود. هر نهادی که شروع کند آثار زیان‌بارش را در آینده کوتاه‌مدت بیشتر خواهد دید. بعضی که کم‌تعداد هم هستند فکر می‌کنند حوالی که چهره اجتماعی و مدنی و سیاسی است ولی اتوامرا کارمند دولت نیست و کد استخدامی ندارد. نمی‌توانند یک مسئولیت سطح سه را قبول کند و از عهده‌اش برنیاید. درحالی‌که این جوانان از خیلی از آدم‌هایی که صاحب مسئولیت فعالان و اجرایی‌اند، ما با وزارت جهاد کشاورزی به توافقی رسیدیم که آنها به نحوی این جای‌ها را یک جا بفروشند و مطمئن شوند که وارد بازار چای کشور نشود و به اعتبار جای گیلان لطمه وارد نکند. سوابق سال گذشته نشان می‌دهد که بخشی از اینها که یارانه می‌پذیرند قادر به ادامه فعالیت و تحرک از کشور برای مصرف خوراکی فروخته شده یا کارهایی روی‌شان انجام می‌پیرمت؟

پرونده قضایی هم وجود دارد؟

مسائل متعددی دارد و به دلیل همین قبیل اوضاع و احوال است که همین‌جا بگویم که اینها را اشغال کرده تعیین تکلیف شوند. ما شرایطی کذائشیم و قرار است مثلاً برفرض غیرحکاکی صادر شود اما می‌خواهیم شرایطی داشته باشیم تا بیینیم به چه بازاری می‌رود و امکان عرضه برنکشش را کاملا رصد کنیم.

یعنی چه مصادره داشته باشد؟

برای تولیدات آرایشی بهداشتی و امروزی شبیه به این. منتها به طور کلی قضیه چای وجنس چایچیده و درعین‌حال سخنی دارد. الان ۶۰۰ درصد قیمت هر کیلو چای را بلاعوض به کشاورزان می‌دهیم. ممکن است در بلندمدت این پایدار نباشد. حتی الان هم که دولت با مشکلاتی در نقدینگی مواجه شد، تقریباً ۴۰ تا ۵۰ روز پیش آخرین مرحله پرداختی‌های خودش را داد. بنابراین ما باید به این سمت برویم که این چای در بازار توان رقابت پیدا کند و همیشه متکی به سوبسید و تقدیمی دولت نباشد. فرض کنید: ۱۰ سال دیگر دولت کلفت که من توان پرداخت ندارم. بنابراین تنها کشاورزها یک‌مرتبه نرود‌ندارند. ما باید در زنجیره فراوری و بسته‌بندی و برندسازی کار کنیم. کارخانجاتی شکل گرفته و الان هم این اولویت ساخت که از این تولو کارخانه‌ها حمایت کنیم. بلاخره اتواع چای کیسه‌ای یا سه‌بندی‌های خوب و دمنوش و چای‌هایی که زودتر خراب می‌شوند و از این قبیل یا اتواع را با مواد داروی دیگر ترکیب می‌کنند و به صورت کیسه‌ای درمی‌آورند. مجموع این کارها را باید انجام دهیم که بتوانیم از این وضعیتی که نیازمند حمایت مالی مستقیم دولت هستیم، به تدریج خارج شویم. اگر خارج نشویم، نمی‌توانیم که یک‌مرتبه بگوییم که دولت نباشد.

مثلاً یکی از اقدامات پیشنهادی این است که برخلاف تصور، زنان در عرصه مدیریتی خیلی قابل تکمیل کمرنگی دارند. یعنی بتانسیل زنان در گیلان بسیار بالاست ولی برعکس می‌بینیم که فرصت‌های خوبی برای زنان در قابلیت‌های بسیار پیدا نمی‌کند.

بله. آن‌طور که در عرضه اشتغال و خصوصاً کشاورزی گفتیم وارد شد. عرصه مدیریتی کاملاً برعکس است.

در این مورد برنامه دارید؟

به معاونت سیاسی و به فرماندار اطلاع شده و تلاشمان این است که د ۱۰ ماه آینده بتدریج در همه شهرستان‌ها یک معاون فرماندار یا بخشدار زن داشته باشیم.

رابطه‌ان با گروه‌های سیاسی استان چطور است؟ از ظرفیت اصلح طلب‌ها استفاده می‌کنید؟

خوب است. خصوصاً با جوانان رابطه خوبی دارم. با هیچ گروه سیاسی تعارض و تضادی ندارم.

گفته‌اید دریاسر و فلاند برنج و چای می‌شویم. حتی این طور شنیده‌ام که چای سنوانی در سالی که گذشت، قیمتش کمتر از سال گذشته بوده. این مسئله خیلی از باغدارها را اذیت کرده و نگران می‌شوند و به نظر می‌رسد برای، بازار بسامانی ندارد. برنامه‌ای دارید که وضعیت بهتر شود؟

جای سنوانی، کلمه‌ای که اصطلاح شده. مربوط به بخشی از چای‌های خریداری شده تعاون روستایی است که از چندین سال قبل در انبارها مانده و تراطیع‌مصرفشان منقضی شده و دیگر ارشاده خوراکی نیست نوشته‌اند شده‌اند. شاخص‌شدن اینها به تبع توانمندی‌شان است که توانسته‌اند خودشان را نشان بدهند. این هم تأکید دولت است و هم اعتقاد جدی من. یعنی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند. چرد درصد میزبان ناوان شده‌اند؟ درصد جمعیت جوانان، میان‌سالان و سالمندان را تأکید کنید. اینهایی که الان در سال‌های آخر میان‌سالی را در دوره ساعتی هستند، خودشان زمانی در اوایل انقلاب در جمعیت بسیار کم‌سن‌وسال بودند. ۲۰ سالگی فرماندار شدند. استاندار ۲۵ یا ۲۶ ساله داشتیم. وزیر ۳۰ ساله داشتیم. دور از ذهن است که همین‌جا آنها یکوبند یک آدمی همین دوره استانداری آنها الان نمی‌تواند بخشدار شود. یا عقل نمی‌خواند. می‌گویند ما در ۲۵ سالگی استاندار بودیم و خیلی هم عقل بودیم؟ دوره دیدیم. قدرت ریسکمان بالا بود. من اینها را زیاد از خودمان می‌شنوم. اما بعضی از همین‌ها می‌گویند جوانانی که الان در همان سن قرار دارند، نمی‌توانند بخشدار شوند. نمی‌توانند زیباب اشرار شهرستان شوند. من قبل از آمدن به گیلان و در نوشتم هم از جوانان خواستم رفتارم، که کمتر شده است استفاده کردم. نتیجه کوقم. در یوشهر هم بخشداران زیاد ۳۰ ساله احداث کردم. اینها چه قصدم این است که جمع‌آوری اطلاعات. چون ممکن است جدا استثنا هم بینی باید. هر بخشداری را تعبیر می‌دهیم حتما حولوحوش ۳۵ سال انتخاب کنید یعنی میانگین سنی انتخابی‌مان تقریباً این است.

بومی یا غیربومی؟

بومی آن بخش را ممکن است نگذاریم و از بخش دیگری بگذاریم که در مواردات اجتماعی محدودیت‌هایی نداشته باشند. این قدر جوان تلوغ درگیلان باید زیاد است که از هیچ کدام لازم نیست بیاوریم. بیاوریم. بیاوریم. ما در یوشهر دارد. در سطح بخشداران باید نیروها را شناسایی کرد یعنی از شبکه خوب جوانان کمک بگیریم. در حوزه خانم‌ها هم همین‌طور. احتمالاً من یکی. دو هفته آینده اولین گروه از زنان را برای سمت بخشداری منصوب می‌کنم. برای ادامه انتصاب جوانان هم در روزهای آینده و پیش از پایان سال انتصاب‌هایی خواهیم داشت.

یکی از مشکلاتی که در گیلان وجود دارد این است که برخلاف تصور، زنان در عرصه مدیریتی خیلی قابل تکمیل کمرنگی دارند. یعنی بتانسیل زنان در گیلان بسیار بالاست ولی برعکس می‌بینیم که فرصت‌های خوبی برای زنان در قابلیت‌های بسیار پیدا نمی‌کند.

بله. آن‌طور که در عرضه اشتغال و خصوصاً کشاورزی گفتیم وارد شد. عرصه مدیریتی کاملاً برعکس است.

در این مورد برنامه دارید؟

به معاونت سیاسی و به فرماندار اطلاع شده و تلاشمان این است که د ۱۰ ماه آینده بتدریج در همه شهرستان‌ها یک معاون فرماندار یا بخشدار زن داشته باشیم.

رابطه‌ان با گروه‌های سیاسی استان چطور است؟ از ظرفیت اصلح طلب‌ها استفاده می‌کنید؟

خوب است. خصوصاً با جوانان رابطه خوبی دارم. با هیچ گروه سیاسی تعارض و تضادی ندارم.

گفته‌اید دریاسر و فلاند برنج و چای می‌شویم. حتی این طور شنیده‌ام که چای سنوانی در سالی که گذشت، قیمتش کمتر از سال گذشته بوده. این مسئله خیلی از باغدارها را اذیت کرده و نگران می‌شوند و به نظر می‌رسد برای، بازار بسامانی ندارد. برنامه‌ای دارید که وضعیت بهتر شود؟

جای سنوانی، کلمه‌ای که اصطلاح شده. مربوط به بخشی از چای‌های خریداری شده تعاون روستایی است که از چندین سال قبل در انبارها مانده و تراطیع‌مصرفشان منقضی شده و دیگر ارشاده خوراکی نیست نوشته‌اند شده‌اند. شاخص‌شدن اینها به تبع توانمندی‌شان است که توانسته‌اند خودشان را نشان بدهند. این هم تأکید دولت است و هم اعتقاد جدی من. یعنی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند. چرد درصد میزبان ناوان شده‌اند؟ درصد جمعیت جوانان، میان‌سالان و سالمندان را تأکید کنید. اینهایی که الان در سال‌های آخر میان‌سالی را در دوره ساعتی هستند، خودشان زمانی در اوایل انقلاب در جمعیت بسیار کم‌سن‌وسال بودند. ۲۰ سالگی فرماندار شدند. استاندار ۲۵ یا ۲۶ ساله داشتیم. وزیر ۳۰ ساله داشتیم. دور از ذهن است که همین‌جا آنها یکوبند یک آدمی همین دوره استانداری آنها الان نمی‌تواند بخشدار شود. یا عقل نمی‌خواند. می‌گویند ما در ۲۵ سالگی استاندار بودیم و خیلی هم عقل بودیم؟ دوره دیدیم. قدرت ریسکمان بالا بود. من اینها را زیاد از خودمان می‌شنوم. اما بعضی از همین‌ها می‌گویند جوانانی که الان در همان سن قرار دارند، نمی‌توانند بخشدار شوند. نمی‌توانند زیباب اشرار شهرستان شوند. من قبل از آمدن به گیلان و در یوشهر